

پژوهشنامه

فقه و
احکام اجتماعی

Journal of
Social Jurisprudence Research

**Jurisprudential Approaches and a Model for Subject Identification in the
Analysis of Issues in the Tourism Industry**

Mohammad Parsaian

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/sj.2026.248921.1506>

رویکردهای فقهی و الگوی موضوع‌شناسی در تحلیل مسائل صنعت گردشگری

محمد پارسائیان

<https://doi.org/10.30497/sj.2026.248921.1506> پیوند دائمی:



Copyright 2025 The Author(s)

Published by Imam Sadiq University , Tehran, Iran

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. Social Jurisprudence research strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE) which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Jurisprudential Approaches and a Model for Subject Identification in the Analysis of Issues in the Tourism Industry

Mohammad Parsaian: Assistant Professor, Department of Qur'an and Social Education, Academic Center for Education, Culture and Research, Tehran, Iran.

mp.iqna@gmail.com

Abstract

1. Introduction and Objective

The expansion of the tourism industry as a multidimensional phenomenon with economic, cultural, social, and technological implications has underscored the need to develop a jurisprudential framework for analyzing and regulating its associated relationships. Nevertheless, the absence of a coherent theoretical framework and the inadequacy of systematic subject identification remain among the principal gaps in this field. This study aims to explicate the relevant jurisprudential approaches and propose an operational model for identifying issues in tourism jurisprudence.

2. Methods and Materials

This applied study adopts an analytical–deductive method. Data were collected and analyzed through a systematic review of domestic and international literature and a qualitative content analysis of jurisprudential sources, hadith literature, and contemporary studies.

3. Research Findings

The findings indicate that the three approaches of traditional jurisprudence, governmental jurisprudence, and civilizational jurisprudence each address certain dimensions of tourism; however, their integration provides a more comprehensive framework for engaging with the complexities of this industry. Moreover, the subject matter of tourism jurisprudence can be organized around four axes: theoretical foundations, general jurisprudence, jurisprudence of tourists, and jurisprudence of the tourism industry. At the methodological level, the interactive approach was identified as the most effective approach to subject identification, and a five-stage operational model was developed accordingly.

4. Discussion and Conclusion

The findings indicate that the effectiveness of jurisprudence in addressing emerging issues in tourism depends on systematically integrating jurisprudential reasoning with interdisciplinary data and prioritizing subject identification over the determination of legal rulings. By enhancing the analysis of issues at the individual, social, and governance levels, the proposed model strengthens the capacity of jurisprudence to provide practical solutions for Islamic policy-making and facilitates the development of a coherent framework for tourism jurisprudence.

Keywords: Civilizational Jurisprudence; Governmental Jurisprudence; Tourism Jurisprudence; Tourism Industry; Jurisprudential Subject Identification.

رویکردهای فقهی و الگوی موضوع‌شناسی در تحلیل مسائل صنعت گردشگری

محمد پارسائیان: استادیار، گروه قرآن و تربیت اجتماعی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.
mp.iqna@gmail.com

چکیده

۱. مقدمه و هدف

گسترش صنعت گردشگری به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی با پیامدهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فناورانه، ضرورت تدوین چارچوبی فقهی برای تحلیل و تنظیم مناسبات آن را برجسته کرده است. با وجود این، فقدان چارچوب نظری منسجم و ضعف در موضوع‌شناسی روشمند، از خلأهای اصلی این حوزه به شمار می‌رود. هدف پژوهش حاضر، تبیین رویکردهای فقهی و ارائه الگویی عملیاتی برای مسئله‌شناسی فقه گردشگری است.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از حیث روش، تحلیلی - استنباطی است. داده‌ها از طریق مرور نظام‌مند ادبیات داخلی و بین‌المللی و تحلیل محتوای کیفی منابع فقهی، روایی و مطالعات معاصر گردآوری و تحلیل شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

نتایج نشان داد که سه رویکرد فقه سنتی، فقه حکومتی و فقه تمدنی هر یک بخشی از ابعاد گردشگری را پوشش می‌دهند، اما تلفیق آن‌ها چارچوبی جامع‌تر برای مواجهه با پیچیدگی‌های این صنعت فراهم می‌سازد. همچنین ساختار موضوعات فقه گردشگری در چهار محور مبانی نظری، فقه عمومی، فقه گردشگر و فقه صنعت گردشگری، قابل سازمان‌دهی است. در سطح روش‌شناسی، رویکرد تعاملی به‌عنوان رویکرد برتر در موضوع‌شناسی، شناسایی و براساس آن، الگوی عملیاتی پنج‌مرحله‌ای ارائه شد.

۴. نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد کارآمدی فقه در مواجهه با مسائل نوپدید گردشگری، وابسته به پیوند نظام‌مند اجتهاد فقهی با داده‌های میان‌رشته‌ای و تقدم موضوع‌شناسی بر حکم‌شناسی است. الگوی پیشنهادی با ارتقای تحلیل مسائل در سطوح فردی، اجتماعی و حکمرانی، ظرفیت فقه را برای ارائه راه‌حل‌های عملیاتی در سیاست‌گذاری شرعی افزایش می‌دهد و زمینه شکل‌گیری چارچوبی منسجم در فقه گردشگری را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: فقه تمدنی؛ فقه حکومتی؛ فقه گردشگری؛ صنعت گردشگری؛ موضوع‌شناسی فقهی.

مقدمه

گردشگری در دهه‌های اخیر به یکی از شاخص‌های اصلی توسعه اقتصادی و فرهنگی کشورها بدل شده است. گزارش‌های سازمان جهانی گردشگری و شورای جهانی سفر و گردشگری نشان می‌دهد که سهم این صنعت در سال ۲۰۲۴ از تولید ناخالص داخلی جهانی حدود بیش از ۱۱ تریلیون دلار بوده و در حدود ۳۴۸ میلیون شغل را تأمین کرده است (World Travel & Tourism Council [WTTC], 2024). اما در ایران، با وجود ظرفیت‌های غنی تاریخی، مذهبی، فرهنگی و طبیعی، سهم واقعی گردشگری از اقتصاد ملی همچنان پایین‌تر از سطح مطلوب است. مطالعات نشان می‌دهد که ایران با وجود برخورداری از جاذبه‌های گسترده، نتوانسته از این ظرفیت‌ها به نحو مطلوب بهره‌برداری کند و سهم این صنعت در تولید ناخالص داخلی محدود باقی مانده است. یکی از دلایل این شکاف، نبود چارچوب‌های نظری و عملی شفاف برای تنظیم رابطه میان صنعت گردشگری و الزامات شرعی-فرهنگی جامعه اسلامی است. پژوهش‌ها تأکید کرده‌اند که فقدان استراتژی ساختاری و تعهد سیاستی در بخش گردشگری موجب عقب‌ماندگی این حوزه در ایران شده است. همچنین، توسعه گردشگری مستلزم آن است که فرهنگ‌ها در بازسازی هویت‌های منحصربه‌فرد خود گام بردارند. کشورهای مسلمان از جمله ایران باید گردشگری خود را براساس موازین اسلامی بنا نهاده و حفظ کنند (Bijami & Albattat, 2019, P. 6).

در فقه اسلامی، سفر و سیاحت جایگاهی دیرینه دارد. با این حال، مفهوم گردشگری در معنای جدید، فراتر از سفر فردی یا زیارت است و امروزه به صنعتی با شبکه‌ای پیچیده از روابط اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و فناورانه بدل شده است (Stephenson, 2016, p. 2-3). بنابراین، پاسخ‌گویی به مسائل این صنعت بدون بازاندیشی در فقه و اجتهاد کارآمد ممکن نیست (علیدوست، ۱۳۹۸). در واقع فقه باید از سطح احکام فردی به سطح نظام‌های کلان موضوعی (همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و محیط زیست) ارتقا یابد. در این معنا، فقه به‌عنوان ارائه‌کننده نظریه‌های کلان در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی عمل می‌کند؛ نظریه‌هایی که در قالب کلان‌نظام‌هایی مانند نظام اقتصادی و نظام اجتماعی و خرده‌نظام‌هایی چون بانکداری و تأمین اجتماعی نمود می‌یابند (علی حسینی و طالبی طادی، ۱۴۰۲، ص. ۶۳). همان‌گونه که شهید صدر معتقد

بود که درمان مشکلات بنیادین جامعه در مکتب اجتماعی اسلام نهفته است (صدر، ۱۴۰۲ق، ص. ۱۱).

ادبیات فقه نظام در حوزه‌هایی همچون اقتصاد، سیاست و محیط زیست رشد قابل توجهی داشته است، به گونه‌ای که بازخوانی احکام شرعی در قالب یک نظام اقتصادی منسجم و متمایز از فقه جزئی معاملات صورت گرفته (صدر، ۱۳۷۵، صص. ۲۷-۳۵)، فقه ناظر به ساخت دولت، حاکمیت و سازوکارهای قدرت توسعه یافته (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص. ۲۵-۴۸) و رویکردی نظام‌مند به حقوق و مسئولیت‌های زیست‌محیطی بر پایه مبانی فقه اسلامی شکل گرفته است (محقق‌داماد، ۱۳۹۳، صص. ۲۴۲-۱۷۹). با این حال، در عرصه گردشگری فقه نظام هنوز به‌عنوان حوزه‌ای مستقل و منسجم تکوین نیافته و تلاش‌های موجود عمدتاً ماهیتی پراکنده و تک‌مسئله‌ای داشته‌اند و نتوانسته‌اند بدنه‌ای نظری ذیل عنوان «فقه گردشگری» پدید آورند. از این رو، بسیاری از چالش‌های عینی روزگار ما بدون پشتوانه فقهی سامان‌مند، به مرحله سیاست‌گذاری راه یافته‌اند. یکی از چالش‌های اساسی در ورود فقه به این حوزه، ماهیت چند بُعدی گردشگری است. این صنعت تنها یک سفر توسعه‌یافته نیست، بلکه شامل شبکه‌ای از کنش‌ها، روابط و ابعاد است: ۱) بُعد عبادی و معنوی شامل زیارت اماکن مقدس، سفرهای دینی و گردشگری مذهبی. ۲) بُعد اخلاقی و اجتماعی شامل روابط گردشگران با میزبانان، عفاف عمومی و حقوق شهروندی. ۳) بُعد اقتصادی و معاملاتی شامل قراردادهای سفر، هتل‌داری، بوم‌گردی و مالکیت زمانی. ۴) بُعد فرهنگی و سیاسی شامل تعامل با غیرمسلمانان، دیپلماسی فرهنگی و تصویر جهانی اسلام. ۵) بُعد نوپدید و فناورانه شامل گردشگری سلامت، گردشگری دیجیتال، متاورس و تجربه‌های مجازی.

سیاست‌گذاری در حوزه گردشگری، بدون داشتن یک چارچوب جامع فقهی، با تعارض‌ها و سردرگمی‌های متعددی مواجه خواهد شد. رسالت فقه گردشگری، دیگر صرفاً بیان احکام فردی سفر و زیارت نیست، بلکه باید با تکیه بر مبانی اجتهادی و ظرفیت‌های فقه‌ای، مناسبات پیچیده اقتصادی، حقوقی و فرهنگی این صنعت را نیز ساماندهی کند. پرسش اصلی این است که کدام رویکردهای فقهی می‌توانند چارچوبی جامع برای تحلیل و پاسخ‌گویی به مسائل صنعت گردشگری فراهم کنند؟ همچنین از آنجا که «موضوع‌شناسی» مقدم بر «حکم‌شناسی» است، تا زمانی که ابعاد مختلف

موضوع در صنعت گردشگری دقیق شناخته نشود، هرگونه استنباط حکم دچار نقصان یا ناکارآمدی خواهد بود. بنابراین، پرسش دیگر نحوه موضوع‌شناسی فقه گردشگری در پاسخ به مسائل نوین این صنعت است.

مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی-استنباطی، در پی آن است که نخست، صورت‌بندی منسجمی از رویکردهای فقهی و روابط میان آنها در حوزه گردشگری ارائه دهد و سپس با بررسی ادبیات علمی موجود و تحلیل ساختار محتوایی آن، الگویی عملیاتی برای مسئله‌شناسی فقه گردشگری پیشنهاد کند. بر همین اساس، در ادامه ضمن مرور پیشینه پژوهش‌ها با رهیافت تحلیل محتوای کیفی، تحول مفهومی گردشگری، موضوع‌شناسی و رویکردهای فقه گردشگری تبیین و جمع‌بندی می‌شود. در نهایت نیز ساختار موضوعات فقه گردشگری ارائه شده و الگوی تلفیقی-عملیاتی برای مسئله‌شناسی و پاسخ‌گویی به مسائل صنعت گردشگری طراحی می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

تحلیل پیشینه مطالعاتی فقه گردشگری، افزون بر ترسیم پیشینه این پژوهش، در تبیین خلأهای نظری و مسائل این حوزه نوپدید مؤثر است؛ این مطالعات را می‌توان در سه سطح متمایز بررسی کرد: ادبیات فقه سنتی سفر، پژوهش‌های مسئله‌محور داخلی و ادبیات بین‌المللی گردشگری اسلامی و حلال. در سطح نخست، فقه اسلامی از دیرباز به مقوله سفر و سیاحت توجه داشته و از ابواب احکام نماز و روزه مسافر در المقنع شیخ صدوق و النهایه شیخ طوسی گرفته تا احکام هجرت، تعامل با غیرمسلمانان و آداب معاشرت در بلاد کفار در آثار تحریر الاحکام و جواهرالکلام همگی نشان از پیوند نزدیک فقه اسلامی با مقوله سفر دارد. با این حال، هرچند این ادبیات ظرفیت‌های غنی در حوزه سفر دارد، اما عمدتاً ناظر به احکام فردی مکلف در سفر بوده و گردشگری را در قالب یک نظام موضوعی مستقل با شبکه‌ای از روابط اقتصادی، فرهنگی و حکمرانی تحلیل نکرده است.

در سطح دوم، پژوهش‌های داخلی طی سه دهه اخیر کوشیده‌اند نسبت فقه و صنعت گردشگری را به صورت مستقیم بررسی کنند. کلاتری (۱۳۷۶) در مقاله «فقه و صنعت جهانگردی» به مشروعیت صنعت گردشگری، شرایط صحت قراردادهای، لزوم تأمین



امنیت جانی و مالی گردشگران و ضوابط تعامل با گردشگران غیرمسلمان پرداخت و تلاش کرد مسائل نوپدید جهانگردی را در چارچوب قواعد فقهی تبیین کند. ترابی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل مفهومی توسعه نشان تجاری حلال» کوشید الگویی برای توسعه گردشگری حلال مبتنی بر منابع اسلامی ارائه دهد، هرچند تمرکز اصلی این اثر بر حوزه بازاریابی و برندینگ بود. موسوی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «فقه گردشگری و آثار باستانی» ضمن تعریف مفاهیم گردشگری و آثار تاریخی، به استخراج احکام مرتبط با گونه‌های مختلف گردشگری پرداخت. میرکمالی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای چالش‌های فقهی-حقوقی حضور گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی را بررسی کردند. زندی‌فر و همکاران (۱۳۹۸) نیز ضمن تحلیل همین چالش‌ها در ایران، راهکارهایی برای مدیریت حضور آنان در کشور پیشنهاد دادند. امینی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «الگوی مستخرج گردشگری مبتنی بر منابع فقهی شیعه» کوشید با تقسیم‌بندی انواع مشروع و نامشروع گردشگری، الگویی فقهی ارائه کند. در ادامه این مسیر، رویکرد قاعده‌محور نیز تقویت شد؛ حسن‌پور و همکاران (۱۳۹۷) با تحلیل کاربست قاعده لاضرر در توسعه گردشگری، ظرفیت این قاعده را در تأمین امنیت ملی و حقوق شهروندی نشان دادند. ادبی و نوربخش (۱۳۹۸) با تمرکز بر قاعده تألیف قلوب، آن را به مثابه راهبردی برای توسعه گردشگری حلال تحلیل کردند. در حوزه مسائل اقتصادی نوپدید نیز صدیقی‌مهر و عباسلو (۱۳۹۹) مشروعیت مالکیت زمانی در دهکده‌های سلامت را از منظر فقهی بررسی کردند و جوادی و برقی (۱۴۰۰) به تحلیل درآمدزایی از طریق گردشگری در چارچوب معاملات اسلامی پرداختند. کتاب «حمایت از جهانگردان خارجی از منظر فقه و حقوق» تألیف امیری (۱۴۰۰) و نیز کتاب «بررسی فقهی احکام جهانگردی» نوشته کاکوجویباری (۱۴۰۱) از دیگر آثار هستند که کوشیده‌اند احکام مرتبط با جهانگردی را گردآوری و تبیین کنند. با وجود تنوع موضوعات، اغلب این پژوهش‌ها به صورت تک‌مسئله‌ای یا در چارچوب یک قاعده خاص به تحلیل پرداخته‌اند و کمتر به صورت‌بندی نظری از فقه گردشگری به عنوان یک حوزه نظام‌مند توجه کرده‌اند. همچنین نسبت میان رویکردهای مختلف فقهی در تحلیل گردشگری در این آثار به طور صریح تبیین نشده است.



در سطح بین‌الملل نیز ادبیات گسترده‌ای در زمینه «گردشگری اسلامی» یا «گردشگری حلال» شکل گرفته است. شرف (۲۰۱۰) در پایان‌نامه خود با نام «احکام گردشگری در فقه اسلامی» به مطالعه تطبیقی احکام گردشگری با قوانین کشور یمن می‌پردازد. جعفری و اسکات (۲۰۱۴) مجموعه‌ای از مقالات را درباره گردشگری در جهان اسلام گردآوری کردند که بسیاری از آن‌ها بر نقش دین و شریعت در رفتار گردشگران مسلمان تأکید دارد. بتور و اسماعیل (۲۰۱۶) در مقاله «گردشگری حلال: مفاهیم، رویه‌ها، چالش‌ها و آینده» چارچوبی مفهومی برای گردشگری حلال ارائه دادند و آن را از منظر چالش‌ها و آینده‌پژوهی تحلیل کردند. جمال و همکاران (۲۰۱۸) در کتاب «گردشگری اسلامی: مدیریت مقاصد سفر» چالش‌های فقهی - فرهنگی مدیریت مقاصد گردشگری در کشورهای مسلمان را مورد بررسی قرار دادند. الگوهری (۲۰۲۰) با رویکردی انتقادی به مفهوم گردشگری حلال، نشان داد برداشت‌های متنوع از «حلال» می‌تواند منجر به اختلاف در سیاست‌گذاری‌ها شود. ظفیری (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان «قراردادهای خدمات گردشگری» به بررسی این عقود در فقه مقارن می‌پردازد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، عمده این ادبیات در حوزه مدیریت، بازاریابی و سیاست‌گذاری توسعه یافته و کمتر به بنیان‌های اجتهادی و نظریه‌پردازی فقهی در معنای دقیق آن پرداخته است.

برآیند مرور آثار داخلی و خارجی سه خلأ اساسی در حوزه فقه گردشگری را نشان می‌دهد: ۱) فقدان چارچوب نظری منسجم برای صورت‌بندی فقه گردشگری در سطح رویکردها، ۲) نبود تحلیل تطبیقی میان رویکردهای فقهی در مواجهه با صنعت گردشگری و ۳) کم‌توجهی به موضوع‌شناسی روشمند، به عنوان مقدمه ضروری استنباط حکم. پژوهش حاضر با تمرکز بر تبیین رویکردهای فقهی و ارائه الگوی عملیاتی موضوع‌شناسی، درصدد پر کردن این خلأ نظری و گذار از تحلیل‌های پراکنده به چارچوبی نظام‌مند در فقه گردشگری است.

۲. بازشناسی تحولات گردشگری در دوره معاصر

روند محتوایی فقه گردشگری را می‌توان در یک سیر تحولی چندمرحله‌ای تحلیل کرد؛ در مرحله نخست، غالب ادبیات به‌صورت پراکنده به مباحث سنتی همچون فقه عبادی

و نکات اخلاقی سفر اختصاص داشت و تمرکز اصلی بر احکام فردی مکلف در سفر بود. در مرحله دوم، موضوعاتی مانند تعامل با غیرمسلمانان، پوشش، اماکن خاص و الزامات فرهنگی حضور گردشگران پر رنگ‌تر شد و هم‌زمان با بازخوانی مسائل فقهی متناسب با تحولات جهانی، نگاه حکومتی نیز تقویت گردید. در مرحله سوم، مسائل مستحدثه‌ای همچون گردشگری حلال، گردشگری سلامت و مالکیت زمانی در کانون توجه قرار گرفت و در مرحله اخیر، مفاهیم نوپیدیدی مانند گردشگری دیجیتال و متاورس ظهور یافته‌اند. با این حال، به دلیل ناهماهنگی میان سرعت تحولات فناورانه و مطالعات فقهی، بسیاری از تحلیل‌های موجود در این حوزه سطحی و فاقد عمق اجتهادی لازم بوده‌اند.

مسیر مطالعات فقه گردشگری در داخل از احکام فردی سفر به سوی مباحث حکمرانی و سپس به مسائل نوپدید گسترش یافته است. در سطح بین‌المللی نیز مفهوم «گردشگری حلال» طی دهه اخیر به یک جریان جدی تبدیل شده، اما بیش از آنکه در حوزه فقهی رشد یابد، وارد عرصه مدیریت، بازاریابی و برندینگ شده است. مخاطره جدی در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی، فقدان یک چارچوب جامع فقهی برای سیاست‌گذاری گردشگری است، مسئله‌ای که می‌تواند فقه را با انگاره ناکارآمدی و محدودیت از کانون تحلیل‌های روز و فرآیند سیاست‌گذاری کنار بگذارد. افزون بر این، نبود انسجام نظری، پراکندگی موضوعی، محتواهای تکراری، کم‌توجهی به حوزه‌های نوظهور و ضعف در رویکردهای اجتهادی و نظریه‌پردازی از دیگر چالش‌های اساسی پیش‌روی فقه گردشگری به‌شمار می‌آید. برای غلبه بر این کاستی‌ها، در گام نخست باید بازشناسی مفهومی و بازآفرینی نظری صورت پذیرد؛ امری که مستقیماً با مسئله «موضوع‌شناسی» پیوند دارد. موضوع‌شناسی دقیق مستلزم باز تعریف بسیاری از مفاهیم فقهی در پرتو تحولات نوین است. تحول مفاهیم در فقه گردشگری تنها با ارائه تعاریف ساده قابل احاطه نیست، بلکه نیازمند تبیین روابط درونی میان مفاهیمی چون سفر، زیارت، تعامل با غیرمسلمانان، احکام اماکن مقدس، فقه مقاصد، حقوق گردشگری و ارزش‌های اسلامی در مواجهه با فرهنگ جهانی است. به بیان دیگر، فقه گردشگری زمانی می‌تواند جایگاه روشمند و مؤثری در منظومه فقه اسلامی بیابد که از سطح فقه فتوایی فراتر رود و به طراحی یک نظام فقهی درباره گردشگری دست یابد،



نظامی که «موضوع‌شناسی» و «نظام‌سازی» را هم‌زمان در برگیرد و بتواند افق خود را تا سطح جامعه و امت گسترش دهد و الگویی نوین در تعامل جامعه اسلامی با پدیده گردشگری عرضه کند. نقطه آغازین این مسیر، تأمل نظری در مفهوم گردشگری و تمایز آن با مفاهیم سنتی چون سفر، سیاحت، زیارت یا هجرت است. در مفهوم‌شناسی سنتی، تحلیل از منظر لغوی آغاز می‌شود و واژه‌هایی که در متون دینی سابقه دارند، بررسی می‌شوند؛ برای نمونه، واژه «سیاحه» در روایت «لَيْسَ فِي أُمَّتِي رَهْبَانِيَّةٌ وَلَا سِيَّاحَةٌ» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص. ۳۴۴) به معنای سیر در زمین برای عبادت و رهبانیت آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۴۹۲). این معنا ناظر به شیوه‌ای از زیست رهبانی برخی مسیحیان بود که بدون توشه به کوه یا بیابان می‌رفتند، در حالی که در لغت‌نامه‌های معاصر، گردشگری به حرکت موقت افراد به مکان‌هایی خارج از محیط عادی زندگی برای تفریح، لذت، تجربه یا سایر اهداف شخصی اطلاق می‌شود (Encyclopaedia Britannica, 2025, Entry: Tourism).

در گذشته، جهانگردی غالباً با اهدافی چون کشف سرزمین‌ها، زیارت اماکن مقدس و تجارت انجام می‌گرفت و خدمات‌حوری و تحمل سختی‌های سفر از ویژگی‌های آن بود. اما در عصر مدرن، گردشگری بخشی از پروژه روشنگری و سرمایه‌داری صنعتی شد و با اهدافی همچون شناخت، آموزش، استعمار و تجارت پیوند یافت (پاپلی‌یزدی و سقایی، ۱۳۸۹، ص. ۱). در مرحله پسامدرن، گردشگری از تجربه اصیل فاصله گرفت و انگیزه‌هایی چون سرگرمی، مد، سبک زندگی و تجربه‌گرایی برجسته شد، به گونه‌ای که به مثابه پاسخی به سبک زندگی شهری، جدایی کار و اوقات فراغت، شکل‌گیری نهاد تعطیلات، جهانی‌شدن و مصرف‌گرایی تعریف گردید (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۷)؛ بنابراین، گردشگر پسامدرن تنها به دنبال مکان‌ها نبود، بلکه در جست‌وجوی سبک زندگی، هویت و حتی تجربه‌های لحظه‌ای بود (Nalçacı İköz, 2019, p. 60).

در دوره فرایست‌مدرن، با ورود به قرن بیست‌ویکم، گردشگری صورتی چندلایه یافت و تلفیق تجربه واقعی و مجازی از طریق فناوری‌هایی چون متاورس، واقعیت مجازی و افزوده گسترش پیدا کرد (Gao et al, 2022, p. 32). هم‌زمان، تجربه‌های گردشگری علاوه بر سرگرمی، به سمت بازسازی هویت، تقویت معنویت و ارتقای

مسئولیت جهانی سوق یافتند و توجه به گردشگری پایدار و مسئولانه در واکنش به بحران‌های اقلیمی و نابرابری اجتماعی افزایش یافت (Higgins-Desbiolles, 2018, p. 158). افزون بر این، جریان‌هایی مانند گردشگری حلال با برجسته کردن ارزش‌های دینی در چارچوب فراپست‌مدرن، بر سلامت، عدالت و احترام به فرهنگ‌های بومی تأکید کردند (Battour & Ismail, 2016, p. 151). در مجموع، گردشگری در معنای معاصر پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که با جابه‌جایی افراد به خارج از محل اقامت معمول آنان مرتبط است (UNWTO, 2019) و انگیزه‌هایی فراتر از ضرورت را در بر می‌گیرد.

این تحلیل تاریخی-مفهومی نشان می‌دهد که گردشگری علاوه بر بازتاب تغییرات اجتماعی و فرهنگی، در شکل‌دهی به سبک‌های زندگی، هویت‌های جمعی و الگوهای حکمرانی فرهنگی و اقتصادی نقش دارد. از این رو، شناخت این دگرگونی‌های معنایی و کارکردی برای تعریف فقه گردشگری و پیش‌فرض‌های معرفتی و روش‌شناختی این شاخه نوپدید مؤثر است. با این حال، کمتر شاهد بحث مستقلی درباره سیاحت به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، چندلایه و متحول هستیم. در منطق اجتهادی فقه اسلامی، حکم شرعی تابع «موضوع بما هو موضوع» و مبتنی بر احراز دقیق مناط و ملاک حکم است، به همین دلیل، هرگونه تغییر در حقیقت، قیود یا کارکرد موضوع می‌تواند به تبدل حکم بینجامد، بی‌آنکه تغییری در ادله لفظی یا مبانی استنباط رخ دهد، همان‌گونه که در مواردی چون حرمت مجسمه‌سازی یا فروش خون مشاهده می‌شود. در واقع، از رهگذر قاعده «تبدل الموضوع یوجب تبدل الحكم» آنچه دگرگون می‌شود، تحقق خارجی موضوع و به تبع آن مناط حکم است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص. ۱۶۸). بنابراین، موضوع احکام مفاهیم کلی است و با دگرگونی قیود و تبادلات مفهومی که موضوع حکم قرار گرفته، حکم آن نیز دگرگون می‌شود (عراقی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۱۰). در حوزه گردشگری معاصر نیز این مسئله نمودهای عینی متعددی دارد؛ برای نمونه، ورود گردشگران غیرمسلمان دیگر تحت عنوان مستأمن قابل تحلیل نیست و صدور روایید به‌مثابه یک معاهده حاکمیتی و دوجانبه شبکه‌ای از حقوق و تکالیف جدید را موضوعیت می‌بخشد که مستقیماً بر تحلیل فقهی مصادیقی نظیر تضمین امنیت گردشگر یا رعایت الزامات قانونی جامعه میزبان اثرگذار است.

در کنار بازشناسی مفاهیم معاصر، بازاندیشی در نصوص دینی نیز ضروری است؛ چراکه ظرفیت آن بسیار بیش از عمق کاوش‌شده کنونی است؛ برای نمونه، تعبیر «سِرُّوا فِی الْأَرْضِ» در قرآن کریم، دعوت به مشاهده آثار اقوام پیشین و تفکر در عاقبت آن‌ها می‌کند (روم: ۹؛ انعام: ۱۱؛ نحل: ۳۶) که می‌تواند مبنایی برای طرح‌ریزی الگوی گردشگری تأمل‌محور باشد که اهداف معرفتی و تربیتی را برجسته می‌کند. همچنین تحلیل کاربرد «السَّائِحُونَ» هم‌ردیف با سایر اوصاف مؤمنان (توبه: ۱۱۲)، نشان می‌دهد که این واژه هماهنگ با معنای لغوی (جریان آب در زمین همراه با تأمل و درنگ)، در کاربرد قرآنی به معنای سیر و گردش در زمین برای دین و ادای حق آمده است (شریفی و ماهروزاده، ۱۳۹۹، ص. ۲۴) یا به تعبیر علامه طباطبائی، سیاحت مؤمنان از یک عبادت‌گاه به عبادت‌گاه است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص. ۳۹۶). افزون بر این، در آیه شریفه «قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (نساء: ۹۷)، مؤاخذه افرادی که با وجود امکان هجرت، به امور غیرمرضی خداوند تن دادند، نشان‌دهنده پیوند جابه‌جایی مکانی با مسئولیت اخلاقی و دینی در منطق قرآن است. با این حال، باید توجه داشت که گردشگری مدرن ماهیتاً بر پایه لذت و تفریح سازمان یافته و به‌عنوان یک صنعت جهانی با ساختاری یکپارچه عمل می‌کند؛ از این رو، تقسیم‌بندی ساده آن به بخش‌های اسلامی و غیراسلامی با واقعیت‌های ساختاری این صنعت همخوانی کامل ندارد (شفیعی، ۱۳۹۸). بدین ترتیب، فقه گردشگری با پدیده‌ای چندلایه و متحول مواجه است که تنها از رهگذر پیوند عمیق اجتهاد پویا با موضوع‌شناسی دقیق، همگامی با داده‌های اجتماعی و حکمرانی و ایجاد هم‌افزایی میان نهادهای علمی، حوزوی و اجرایی می‌تواند علاوه بر ارائه پاسخ‌های معتبر شرعی، الگوهای عملیاتی کارآمدی برای حکمرانی عرضه کند.

۳. موضوع‌شناسی فقه گردشگری

حل مسئله فقهی سه مرحله اصلی مسئله‌شناسی، منبع‌شناسی و مدل‌ول‌شناسی دارد. مسئله‌شناسی مهم‌ترین مرحله آن است و شامل چند محور خردتر می‌شود: تشخیص درست مسئله، شناسایی ماهیت، شناسایی متغیرها، تعیین جنس حکم و شناسایی صورت‌های مسئله و تجزیه مسئله (درایتی، ۱۴۰۱). در فقه سنتی، موضوع‌شناسی بیشتر

به برداشت‌های عرفی و ذهنی فقیه محدود می‌شد. ابزار اصلی، مطالعه لغوی، رجوع به متون فقهی گذشته و تحلیل عرف عام یا خاص بود. فقیه خودش بدون بهره‌گیری جدی از علوم تخصصی دیگر سعی می‌کرد، مسئله را بشناسد. در این روش، موضوعات غالباً ساده، کم‌بعد و محدود به محیط‌های سنتی بودند، اما در مسائل نوپدید، مانند گردشگری موضوعات ماهیتی چند بُعدی و پیچیده دارند. شناخت دقیق این موضوعات نیازمند بهره‌گیری از علوم تخصصی است و دیگر صرف تکیه بر برداشت‌های عرفی، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازها باشد (سعیدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۳).

امام خمینی با تأکید بر نقش «زمان و مکان» به عنوان دو عنصر تعیین‌کننده در فرآیند اجتهاد، تصریح می‌کند که مسئله‌ای که در گذشته دارای حکمی مشخص بوده است، ممکن است در چارچوب روابط حاکم بر سیاست، اجتماع و اقتصاد یک نظام، به سبب تغییر شرایط و دگرگونی موضوع، حکم جدیدی پیدا کند و قهراً مستلزم استنباطی نو باشد؛ از این رو، مجتهد علاوه بر برخورداری از شرایط عام اجتهاد، باید نسبت به مقتضیات زمان، مکان و مسائل روز نیز آگاهی کافی داشته باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص. ۲۸۹). بنابراین، اجتهاد در حوزه گردشگری ناگزیر از عبور از فقه جزئی‌نگر به سمت تنظیم‌گری نظام‌مند مبتنی بر کشف ملاک‌ها و سنجش تحولات موضوع است. بر همین اساس، موضوع‌شناسی، مصداق‌شناسی و توجه به آرای فرهیختگان، صاحب‌نظران و تحقیقات بنیادی، کاربردی و میدانی در گردشگری بسیار اهمیت می‌یابد؛ چراکه گردشگری ساحت‌های گوناگونی دارد و مسائل آن باید از جهات مختلف بررسی شوند (علیدوست، ۱۳۹۸). موضوع‌شناسی بدون حضور کارشناسان یا داده‌های علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگی، حقوق گردشگری، اقتصاد توریسم و حتی فناوری رسانه، ناقص و ناکارآمد خواهد بود. در واقع بازشناسی دقیق مصادیق گردشگری، انگیزه‌ها، رفتارها، فضاهای گردشگری، بازیگران این حوزه و حتی ساختار صنعت گردشگری، لازمه اجتهادی است که می‌خواهد ناظر به واقعیت میدان عمل کند. در غیر این صورت، فتاوا در خلأ صادر خواهند شد و نمی‌توانند در عرصه قانون‌گذاری یا سیاست‌گذاری عمومی راهگشا باشند.

در واقع، فقه گردشگری در مقابل افزایش روزه‌روز پرسش‌ها باید به سان «آزمایشگاه اجتهادی» و تجربه عملی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای اسلامی

به مثابه میدان آزمون عملیاتی خوانش شود؛ برای نمونه، آیا استیمنان که در فقه کلاسیک ناظر به ورود موقتی و امن یک غیرمسلمان به سرزمین اسلامی است، می‌تواند ناظر به وضعیت حقوقی گردشگران خارجی در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز باشد؟ یا باید چارچوبی نوین بر مبنای حقوق شهروندی اسلامی برای آنان طراحی شود؟ یا در مورد احکام ذمی و معاهد و حربی، آیا هنوز هم می‌توان با همان طبقه‌بندی سده‌های پیشین به تحلیل وضعیت گردشگران پرداخت؟ یا باید با استفاده از مفاهیم جدیدی همچون تابعیت موقت، اقامت کوتاه‌مدت و اصول بین‌المللی حقوق بشر، قواعد جدیدی استخراج کرد؟ حل نظام‌مند مفاهیم فقه کلاسیک در صنعت گردشگری زمینه را برای گذار از فقه احتیاطی به فقه ابتکاری و از فقه فردی به فقه اجتماعی و از نظریه به‌سوی نهادسازی و تمدن‌سازی فراهم می‌کند. در این بستر نوین، گردشگری از یک تهدید بالقوه برای شریعت، به عرصه‌ای برای بسط مفاهیم، تحقق اهداف آن و نمایش عقلانیت و کارآمدی نظام فقهی اسلام تبدیل می‌شود.

۴. رویکردهای فقه گردشگری

فقه، به‌عنوان نظام استنباط احکام شریعت، در طول تاریخ همواره با مسائل گوناگون مواجه بوده و در پاسخ‌گویی به نیازهای روز جامعه اسلامی، با رویکردهای متفاوتی ظاهر شده است. در حوزه گردشگری نیز فقها با رویکردهای مختلفی به این پدیده نگریسته‌اند که هر کدام مبانی، روش‌شناسی، سطح تحلیل و نتایج متفاوتی دارند و شناخت دقیق آن‌ها، شرط لازم برای تدوین نظریه منسجم فقه گردشگری است. در ادامه به بررسی سه رویکرد اصلی می‌پردازیم.

۴-۱. رویکرد سنتی

دیدگاه سنتی گردشگری را صرفاً توسعه‌یافته و فربه‌شده احکام‌السفر در فقه کلاسیک می‌داند. در این نگاه، احکام سفر مانند نماز و روزه مسافر یا شرایط حضور غیرمسلمانان در قلمرو اسلامی (ذمی، معاهد و مستأمن) با اندکی توسعه می‌تواند پاسخگوی مسائل مشابه در گردشگری باشد، اما باید میان «فقه سفر» و «فقه گردشگری» تمایز قائل شد. فقه سفر مسائل را صرفاً از منظر عبادت‌محور (مثل حج و

زیارت) و تکالیف فرد بررسی می‌کند و آن را ابزار تعامل محدود با دنیای خارج می‌داند. در حالی که فقه گردشگری ناظر به کل مناسبات گردشگر با جامعه مقصد، دولت اسلامی، احکام شریعت و هنجارهای فرهنگی است. فقهای سنتی بیشتر نگران وقوع محرمات در سفرند تا کارکردهای فرهنگی یا اقتصادی. به همین جهت، حساسیتی نسبت به مسائل نوپدید مانند گردشگری مجازی، متاورسی یا زیست‌گردی ندارند، مگر از منظر مفسده احتمالی. بنابراین، اگرچه فقه سنتی از حیث دقت استنباطی و وفاداری به منابع اولیه دارای قوت است، اما در مواجهه با واقعیت پیچیده گردشگری معاصر با محدودیت‌هایی جدی در سطح تحلیل، افق نگاه و توجه به مصالح کلان امت یا دولت اسلامی مواجه هستند، از آنجا که گردشگری معاصر رهاورد جهان مدرن است، پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید آن نیازمند رویکردهای تکمیلی است.

۲-۴. رویکرد فقه حکومتی

به‌رغم اصالت فقه سنتی، روش استنباط در اجتهاد مصطلح متناسب با رفع نیازهای افراد است و ظرفیت پاسخگویی به نیازهای متکثر گردشگری مدرن و مسائل ساختاری را ندارد؛ از این رو، برای توسعه فقه به سوی نیازهای جامعه و حکومت اسلامی، باید روش اجتهاد ارزیابی و سنجش شود و به عناصر دخیل در آن مانند نقش زمان و مکان توجه گردد؛ زیرا روش استنباط از مؤثرترین عوامل اجتهاد است و تحول آن، در نوع احکام، روزآمدی و کارایی آنها تأثیر بسزایی دارد (موسوی‌خمنی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص. ۲۸۹)؛ بنابراین، رویکرد فقه حکومتی بر این اصل استوار است که فقه باید کارآمدی اجتماعی و هدایت حکمرانی را بر عهده گیرد. عدم به‌کارگیری این رویکرد در فقه شیعه، به سبب نبود جواز آن در فرآیند استنباط یا فقدان دلیل و مبنای فقهی نبوده است، بلکه فقیهان شیعه هرگز در استنباط خود، اداره حکومت را به‌طور مستقیم مدنظر قرار نمی‌دادند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه و امکان کاوش‌های جدید در حوزه فقه حکومتی فراهم شد (ایزدهی، ۱۴۰۱، ص. ۳۶). در ادبیات فقهی دو رویکرد اساسی نسبت به مفهوم فقه حکومتی دیده می‌شود:

۱) فقه حکومتی به‌عنوان جایگزین فقه سنتی: این نگاه، فقه حکومتی را نه یک بخش محدود، بلکه نسخه‌ای تحولی از فقه سنتی می‌داند که با حفظ اصول، مبانی و



روش‌ها دستگاه فقاہت را به شکلی بازتعریف می‌کند که پاسخگوی نیازهای حکومت و اداره جامعه باشد.

۲) فقه حکومتی به‌عنوان رویکردی خاص در فقه: در این رویکرد، فقه حکومتی مستقل از فقه سنتی نیست، بلکه رویکردی خاص در فهم و استنباط احکام فقهی است. به عبارت دیگر، فقه حکومتی وصفی فراگیر و محیط برای تمامی بخش‌های فقه است که بر برداشت و تلقی خاص از دین و شریعت استوار است (مهریزی، ۱۳۷۶، ص. ۱۴۶). در این چارچوب، بسیاری از فقه‌های جدید از جمله فقه گردشگری را می‌توان ذیل فقه حکومتی تعریف کرد. در این دیدگاه، دولت موظف است برای صیانت از هویت اسلامی جامعه، مرزهای فرهنگی، رفتار گردشگران و حقوق دینی شهروندان را پاسداری کند. کاربست فقه حکومتی در گردشگری، سیاست‌گذاری در حوزه‌های متعددی را ایجاب می‌کند؛ از جذب گردشگر خارجی و نظارت شرعی بر محتوای رسانه‌ای و فرهنگی گرفته تا تحدید تعامل نهادهای اجرایی با فرهنگ‌های غیراسلامی، ساماندهی تورهای اختلاط‌محور، مقابله با تبلیغ سبک زندگی غربی و بهره‌برداری از زیرساخت‌های دولتی. بر این اساس، اجرای هر رویداد گردشگری مانند «دوی مارتن» باید تابع الزامات حکمرانی گردشگری حلال باشد. پیاده‌سازی استانداردهای حلال در پوشش، حریم، تفریحات و اماکن، فرصت تبدیل مناطق گردشگرپذیر به مقاصد ایمن، خانواده‌محور و پیشرو در سطح منطقه را فراهم می‌آورد. البته فقه گردشگری ارتباطات چندلایه و درهم‌تنیده‌ای با دیگر حوزه‌های فقهی، مانند فقه هنر، فقه امنیت، فقه شهر و فقه اقتصاد دارد که ضرورت رویکرد حکومتی و نظام‌مند به فقه گردشگری را توجیه می‌کند. در این نگاه، فقه گردشگری در تعامل با دیگر حوزه‌های فقهی و در چارچوب کلان‌تر فقه حکومتی معنا و کارکرد پیدا می‌کند (شفیعی، ۱۳۹۸). با این حال، این رویکرد اگرچه از حیث گستره تحلیل غنی‌تر از فقه سنتی است، اما با چالش‌هایی نظیر، فاصله نظری با واقعیت اجرایی، ابهام در نگاشت نهادی و حدود اختیارات مواجه است و باید به سمت الگوهای اجرایی واقع‌بینانه و غیرتحکمی حرکت کند تا بتواند میان جذب گردشگر، حفظ ارزش‌ها و رشد اقتصادی تعادل برقرار سازد.

۳-۴. رویکرد تمدنی

مفهوم «فقه تمدنی» به موازات فقه حکومتی، در گفتمان انقلاب اسلامی رشد یافت. مقصود از فقه تمدنی، فقهی است که از سطح احکام فردی عبور کرده و در پی طراحی و تنظیم روابط اجتماعی، ساختارهای نهادی و سیاست‌گذاری‌های عمومی در سطح جامعه و امت اسلامی باشد. در چنین چارچوبی، گردشگری عنصری از نظام سبک زندگی، دیپلماسی فرهنگی و تمدن‌سازی محسوب می‌شود. فقه گردشگری در نگاه تمدنی، باید نگاهی جامع به ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و حتی بین‌المللی این پدیده داشته باشد و مدلی از رابطه انسان، جامعه، طبیعت و خداوند در قالب سفر و سیاحت ارائه دهد. این رویکرد دارای پیشینه است و سیاحت نقش مهمی در شکوفایی علمی مسلمانان و تبادلات فکری و فرهنگی به‌ویژه از قرن سوم هجری داشته و با گسترش قلمرو سرزمین‌های اسلامی، کاروان‌های علمی و تجاری به بستری برای توسعه و انتقال تمدن اسلامی تبدیل شدند (ریاحی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۶). مطالعات معاصر نیز نشان دادند که مدیریت مقاصد گردشگری اسلامی باید با هویت تمدنی و دیپلماسی فرهنگی پیوند بخورد (Jamal et al, 2018, pp. 38-54) و آن را به ابزار تصویرسازی جهانی و برندسازی حلال تبدیل کند؛ برای نمونه قاعده «تألیف قلوب» تأکید می‌کند که تسهیل ورود اهل کتاب به اماکن مذهبی می‌تواند ضمن توسعه گردشگری حلال، به جذب قلوب و نمایش چهره‌ای مثبت از اسلام منجر شود و فرهنگ اسلامی را نیز ترویج کند (ادبی و نوربخش، ۱۳۹۸، ص. ۷۷).

برای اینکه گردشگری در خدمت تمدن‌سازی قرار گیرد، فقه باید واجد مؤلفه‌هایی باشد؛ از جمله آنها، نگاه نظام‌مند و ساختاری به سفر و صنعت گردشگری است. برای دستیابی به نظام در فقه، باید سه اقدام اساسی صورت گیرد؛ نخست، هم‌نشین کردن احکام در یک چارچوب مطالعاتی، به‌گونه‌ای که از مجموع احکام (به‌ویژه با بهره‌گیری از قواعد فقهی) روح حاکم بر آنها استنباط شود؛ دوم، مراجعه به مبانی کلامی و سوم توجه به مقاصد شریعت (مبلغی، به نقل از خراسانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۷). این رویکرد در گام نخست با برقراری ارتباط محتوایی میان اجزا و عناصر، تلاش می‌کند نگاهی کل‌گرایانه به عناصر داشته باشد؛ برای مثال، با کنار هم قرار دادن گزاره‌های اقتصادی و دقت در ارتباط میان آنها می‌توان به قواعدی کلی و عام دست یافت؛ نمونه‌ای از این



رویکرد را می‌توان در تلاش شهید صدر در اقتصادنا مشاهده کرد (اعراف، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۹). او در واقع بنیان‌گذار نوعی دستگاه اجتهادی با نام «فقه‌النظریه» است که نخستین وظیفه فقیه را تولید نظریه می‌داند و سپس در چارچوب نظریه حکم شرعی تولید می‌شود. گام دوم در منابع استنباط حکم و نظام تفاوت جدی ایجاد می‌کند؛ زیرا منابع استنباط حکم در فقه سنتی محدود به مجموعه‌ای از آیات‌الاحکام و روایات فقهی است، در حالی که منابع استنباط نظام، تمامی دین را در بر می‌گیرد و علاوه بر مبانی کلامی، مجموعه آیات و روایات اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی، همراه با عقل نیز می‌توانند برای کشف نظام مورد استفاده قرار گیرند (خراسانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۷). از این منظر، شاید مطالعه نظریات علوم روز و تعامل با حوزه‌های دانشی مانند فلسفه دین، جامعه‌شناسی دین، علوم شناختی، ارتباطات دینی و مطالعات فرهنگی برای تولید نظریه‌ای مبتنی بر نصوص و سپس استنباط حکم شرعی راهگشایی نماید. گام سوم بهره‌گیری از ملاکات احکام و مقاصد شریعت است؛ برای نمونه، اگر فقه گردشگری بر پایه مقاصد شریعت طراحی شود، می‌توان اهدافی مانند تقویت معرفت دینی، انس با طبیعت و احترام به مخلوقات، تبلیغ دین و انتقال هویت اسلامی، عدالت اجتماعی، تحکیم خانواده و انسجام اجتماعی و شناخت تاریخی امت اسلامی به‌عنوان «مقاصد گردشگری تمدنی» لحاظ کرد و سپس احکام جزئی را با آن هماهنگ ساخت. فقه مقاصدی همچنین ظرفیت خوبی برای هدایت مقاصد سفر، انگیزه‌ها و آثار اجتماعی آن دارد؛ برای نمونه، در مسئله حضور گردشگران غیرمسلمان در اماکن مذهبی، فقه سنتی با استناد به آیه ۲۸ سوره توبه که مشرکان را «نجس» می‌داند، ورود آنان به مسجدالحرام را ممنوع اعلام کرده است. جدا از بحث امکان تسری این حکم به دیگر اماکن مذهبی، در شرایطی که بسیاری از گردشگران با انگیزه‌های فرهنگی و تحقیقاتی وارد کشورهای اسلامی می‌شوند، آیا می‌توان صرفاً براساس غیرمسلمان بودن، ورود آنان به این اماکن را ممنوع دانست؟ اگر حضور یک گروه گردشگری بین‌المللی در اماکن اسلامی، به شناخت بهتر آنان از اسلام و زدودن شبهات نسبت به مسلمانان بینجامد، این حضور نه‌تنها مجاز، بلکه مستحب خواهد بود. این رویکرد نیازمند تحلیل فقه مقاصدی است تا تعادل میان قداست اماکن و بهره‌برداری از فرصت‌های فرهنگی برقرار شود. حتی در

مواردی که احکام اولیه مانع به نظر می‌رسند، ممکن است با توجه به مصالح کلان امت، حکم حکومتی متفاوتی استنباط شود.

باز تعریف مفاهیم فقهی در چارچوب نظریه ولایت و خلافت الهی انسان، از دیگر مؤلفه‌های فقه گردشگری در مسیر تمدن‌سازی است که می‌تواند در دو سطح مبانی الهیاتی و کارکردهای اجتماعی بررسی شود. در سطح الهیاتی، گردشگری بستری برای تجلی توحید در عرصه طبیعت و فرهنگ تلقی می‌شود که می‌تواند مجالی برای تعمق در آیات آفاقی و انفسی (مبلغی، ۱۳۹۷) و تعامل معنوی انسان با جهان براساس نقش خلیفه الهی باشد. بنابراین، گردشگری نه تنها یک فعالیت اقتصادی یا فردی، بلکه حرکتی فکری-معنوی است که به تقویت هویت ایمانی و تألیف قلوب کمک می‌کند. در سطح کارکردهای اجتماعی، گردشگری ظرفیت‌های تعامل بین‌الادیانی، معرفی زیبایی‌های دین، استحکام هویت ایمانی و تألیف قلوب را فراهم می‌آورد. این جنبه با ادبیات نظری دیپلماسی فرهنگی همخوانی دارد، جایی که گردشگری به مثابه ابزاری برای تمدن‌سازی نرم از طریق انتقال پیام معنویت، عدالت و کرامت انسانی عمل می‌کند و به تصویرسازی جهانی مثبت از جوامع اسلامی یاری می‌رساند. با این حال، این رویکرد برای عملیاتی شدن نیازمند سازوکارهای مشخص حکومتی است؛ در غیر این صورت، در سطح کلی‌گویی باقی می‌ماند و از افق معنابخشی فرهنگی خود بهره‌ای نمی‌برد.

۴-۴. جمع‌بندی رویکردها

در مجموع، سه رویکرد اصلی شناسایی شد که هر یک کارکردهای خاص خود را دارند و جنبه‌های خاصی از پدیده گردشگری را پوشش می‌دهند. فقه سنتی بر احکام فردی و عبادی تمرکز دارد و نقطه آغاز مناسبی برای استناد به نصوص شرعی است، اما پاسخ‌گوی ساختارهای پیچیده فرهنگی و نهادی امروز نیست؛ فقه حکومتی ابزار تنظیم‌گری اجتماعی، مدیریت نهادی و سیاست‌گذاری شرعی را در اختیار دارد، اما گاه در نظریه‌پردازی عمیق و جامع دچار کاستی است. فقه تمدنی با نگاهی استراتژیک و نظام‌ساز، گردشگری را در افق فرهنگی و تمدنی قرار می‌دهد، ولی نیازمند نهادسازی، مدل‌سازی و اجماع فقهی و نظری است. بنابراین، تحلیل پدیده گردشگری از منظر فقه،



نیازمند بهره‌گیری از طیفی متنوع از رویکردهاست که به‌صورت تطبیقی در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.

جدول شماره ۱: بررسی تطبیقی رویکردهای فقهی

ویژگی / رویکرد	فقه سنتی	فقه حکومتی	فقه تمدنی
سطح تحلیل	فردی	نهادی و دولتی	کلان اجتماعی و تمدنی
کانون استناد غالب	نصوص و فتاوا	مصلحت و ولایت	هویت امت، مقاصد شریعت
موضوع محوری	رفتار فردی	نظم اجتماعی	الگوی زیست اسلامی
نسبت با گردشگری	احکام فردی و عبادی	نگاه تنظیمی و نظارتی	نگاه تمدن‌ساز، فرهنگی، تبلیغی
ظرفیت پاسخ به مسائل نو	محدود در مسائل ساختاری	متوسط	بالا

منبع جدول: یافته‌های تحقیق

الگوی تلفیقی پیشنهادی در این مقاله، فراتر از توصیف این رویکردها، یک چرخه تحلیلی نوآورانه را معرفی می‌کند که نقطه عزیمت آن موضوع‌شناسی دقیق و معاصر پدیده گردشگری است. این چرخه، شامل پنج مراحل است: نخست، شناخت ماهیت مستحدثه موضوع (همچون درک روادید به‌مثابه یک معاهده نوین حاکمیتی). دوم، استناد اولیه به نصوص در حوزه فقه فردی. سوم، هم‌نشین‌سازی احکام با قواعد فقهی (نظیر قاعده اوفوا بالعقود، لاضرر و کرامت انسانی). چهارم، ارزیابی مقاصد شریعت (از جمله تحکیم خانواده و انسجام اجتماعی) و پنجم، تحلیل از منظر فقه حکومتی برای تنظیم‌گری اجتماعی و نهایتاً قرار دادن مسئله در چارچوب تمدنی (مانند معرفی هویت اسلامی و دیپلماسی فرهنگی) برای دستیابی به راه‌حل‌های راهبردی و فرهنگی. این چرخه تحلیلی منجر به استنباط احکام عملیاتی، منسجم و متناسب با چالش‌های معاصر می‌شود؛ برای نمونه، در مسئله پوشش گردشگر غیرمسلمان، در گام استناد به نصوص (فقه فردی)، ادله بر حرمت تبرج دلالت دارند، اما با تفکیک مقام ثبوت و اثبات، تنجیز این تکلیف برای غیرمسلمان محل بحث است. در گام بعدی، مقاصد شریعت هم‌زمان بر صیانت از عفت عمومی و تألیف قلوب تأکید می‌کند. با ورود به لایه فقه حکومتی، مسئله به عنوان الزام به قانون سرزمینی و حفظ نظم عمومی باز تعریف می‌گردد که

امکان وضع استاندارد پوشش را برای حاکمیت فراهم می‌سازد. در نهایت، رویکرد تمدنی، این استانداردها را به عنوان بخشی از هویت فرهنگی مقصد و برندسازی گردشگری حلال پیشنهاد می‌دهد. بنابراین، استفاده متناسب و تلفیقی از این رویکردها، با ارتقای احکام فقهی از سطح فردی به سطوح اجتماعی و تمدنی، علاوه بر ارتقای کارآمدی فقه در مواجهه با موضوعات مستحدثه، راه‌حل‌های عملیاتی برای حکمرانی گردشگری در مسیر تمدن‌سازی اسلامی ارائه می‌کند.

رویکرد تمدنی، با تأکید بر نظام‌سازی فرهنگی و تعامل جهانی، ظرفیت آن را دارد که از طریق پیوند با فقه مقارن، از سطح نظری فراتر رفته و به عرصه عملیاتی وارد شود. از آنجا که گردشگری حلال عرصه تعامل مسلمانان با یکدیگر و نیز با نظام‌های حقوقی و فرهنگی متنوع است، تحلیل فقه گردشگری نمی‌تواند صرفاً به یک مذهب محدود بماند. بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی میان مذاهب اسلامی در موضوعاتی همچون حقوق گردشگر، نحوه تعامل با غیرمسلمانان، ضوابط اخلاقی سفر و نسبت آن با قواعد حقوق بین‌الملل، می‌تواند زمینه شناسایی اشتراکات و تبیین اختلافات استنباطی را فراهم سازد. هرچند بخشی از تفاوت‌های فتوایی ناشی از مبانی اصولی مذاهب است، اما بخش قابل توجهی از آن به زمینه‌های اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی باز می‌گردد. در این چارچوب، تعامل میان‌مذهبی می‌تواند به تدوین نوعی «فقه اجماعی گردشگری» به معنای صورت‌بندی حداقلی از قواعد مشترک و قابل پذیرش میان مذاهب منجر شود و مبنایی برای استانداردهای مشترک گردشگری حلال در کشورهای اسلامی فراهم آورد. تجربه کشورهایی مانند مالزی و اندونزی نشان می‌دهد که هم‌سویی در استانداردها و گواهی‌نامه‌های حلال و اتخاذ رویکردهای انعطاف‌پذیر در توسعه گردشگری، می‌تواند ضمن کاهش موانع تجاری، اعتماد مصرف‌کنندگان و هم‌گرایی میان بازیگران جهان اسلام را تقویت کند (Halal Focus, 2025). بدین ترتیب، رویکرد تمدنی با اتکا به فقه مقارن، تعاملات میان‌مذهبی را به ابزاری برای تمدن‌سازی نرم و ارتقای حکمرانی گردشگری حلال تبدیل می‌کند. افزون بر این، توسعه فقه گردشگری نیازمند توجه به تعاملات بین‌الادیانی و میان‌فرهنگی است. از آنجایی که بسیاری از گردشگران خارجی از ادیان، مذاهب و فرهنگ‌های متنوع برخوردارند، فقه گردشگری باید چارچوب‌های روشنی برای تعامل با دیگری ترسیم

کند. این تعامل، اگر بر پایه قواعدی همچون «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»، «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ»، حرمت اهانت به مقدسات سایر ادیان و نهاد فقهی «عقد امان» سامان یابد، می‌تواند روابطی مبتنی بر احترام متقابل، حسن معاشرت، رعایت حرمت جان، مال و آبرو و حفظ کرامت انسانی و اخلاقی را شکل دهد (امیری، ۱۴۰۰، ص. ۱۳) و جایگاه فقه را به‌عنوان دانشی گفت‌وگومحور و تمدن‌ساز تثبیت کند.

۵. ساختار موضوعات فقه گردشگری

در ادبیات فقهی، دسته‌بندی موضوعات معمولاً مبتنی بر ابواب سنتی همچون عبادات، معاملات، حدود، قصاص و دیات است، اما در فقه‌های تخصصی مرز این ابواب سنتی شکسته شده و جای خود را به گونه‌بندی موضوعات بر پایه واقعیات اجتماعی، نیازهای زمانه و ساختارهای نهادی داده است. تنوع اقسام گردشگری در عصر حاضر، از گردشگری سلامت، علمی و زیارتی گرفته تا اکوتوریسم، گردشگری مجازی و سایر فناوری‌ها، قلمرو موضوعات فقه گردشگری را بسیار گسترده کرده است، به همین جهت، فقه گردشگری به دسته‌بندی جدید موضوعی نیاز دارد. به‌ویژه آنکه گردشگری پدیده‌ای چند بُعدی و درهم‌تنیده با سایر حوزه‌هاست. با بررسی ادبیات موجود فقه گردشگری، می‌توان یک طبقه‌بندی مقدماتی از نقشه موضوعی آن را در شش خوشه اصلی مرتب کرد: (۱) فقه عبادی (سفر، ۲) فقه تعامل و هنجارهای عمومی (پوشش و موسیقی)، (۳) فقه ورود گردشگران به اماکن مذهبی یا در زمان‌های خاص، (۴) فقه معاملات، (۵) فقه حکمرانی و سیاست‌گذاری و (۶) فقه مسائل مستحدثه (گردشگری مجازی و مالکیت زمانی). این طبقه‌بندی مقدماتی، براساس بررسی ادبیات موجود، خوشه‌هایی را برجسته می‌سازد که نشان‌دهنده تنوع اولیه موضوعات است، با این حال، برای دستیابی به یک ساختار منسجم‌تر و عملیاتی، این خوشه‌ها را می‌توان در چهار محور اصلی ادغام کرد؛ برای مثال، خوشه‌های اول تا سوم عمدتاً در محورهای فقه عمومی و فقه گردشگر جای می‌گیرند، در حالی که خوشه‌های چهارم تا ششم با محورهای فقه صنعت گردشگری و مبانی نظری همپوشانی دارند. این ادغام علاوه بر انسجام مفهومی، زمینه‌ای برای رویکردهای موضوع‌شناسی پیشرفته‌تر فراهم می‌آورد. با این حال، دسته‌بندی مسائل و سرفصل‌های فقه صنعت گردشگری و شناسایی

ساحت‌های جدید آن بسیار دشوار و نیازمند گفت‌وگو و مطالعات عالمانه است؛ چراکه این صنعت به عنوان پدیده‌ای مدرن و مبتنی بر لذت و تفریح، متمایز از مفاهیم سنتی مانند سفر زیارتی یا تجاری است (شفیعی، ۱۳۹۸). افزون بر مسائلی که در بستر معاصر دچار تحول ماهوی شده و نیازمند بازخوانی فقهی‌اند، عناوین مستحدثه متعددی بر دامنه مباحث قبلی افزوده شده است. در یک نگاه اجمالی، ساختار مباحث فقه گردشگری را می‌توان در چهار محور مبانی نظری، فقه عمومی، فقه گردشگر و فقه صنعت گردشگری طبقه‌بندی کرد. این موارد در جدول شماره ۲ ترسیم شده‌اند.

جدول شماره ۲: ساختار محتوایی فقه گردشگری

سرفصل	احکام	مصادیق	وضعیت
مبانی نظری فقه گردشگری	ماهیت‌شناسی و چارچوب فقهی	مبانی، رویکردها، لوازم و نیازمندی‌ها و نسبت فقه گردشگری با دیگر شاخه‌های فقهی	نیازمند به تقویت و روزآمدی
فقه عمومی	مسائل عمومی فقهی	احکام عبادی سفر، پوشش و اماکن مذهبی	عمق فقهی، عدم تطبیق با نیاز معاصر
فقه گردشگر	حقوق و تکالیف خاص گردشگران	احکام رفتاری و اخلاقی گردشگران، تأمین امنیت، الزامات رفاهی، تکالیف و حقوق	نیازمند موضوع‌شناسی و روزآمدی احکام
فقه صنعت گردشگری	احکام تعاملات	تعامل با غیرمسلمان و اقلیت‌ها، حقوق و تکالیف، آزادی، امنیت و رفاه	تنوع موضوعی، ضعف در روزآمدسازی مفاهیم
	احکام اماکن و میراث فرهنگی و تاریخی	لزوم حفظ و مرمت اماکن تاریخی، وظایف حکومت، قوانین حاکم بر آثار	تطبیق حقوق و فقه، نگاشت نهادی
	احکام معاملاتی و حقوقی	احکام اقتصادی، معاملاتی و حقوقی در صنعت گردشگری	تطبیق حقوق و فقه، کم‌تحلیل در اجرا
	احکام حکومتی	سیاست‌گذاری، امنیتی، تنظیم‌گری فرهنگی و اقتصادی	آغاز ورود به حوزه ساختار، نیاز به نظام‌سازی
	احکام تمدنی	تعامل تمدنی، گردشگری دینی	قدرت نظری بالا، تحقق کم در پژوهش‌های میدانی

منبع جدول: یافته‌های تحقیق



البته ادغام برخی موضوعات مستحدثه در ساختار فقه سنتی با دشواری‌هایی همراه است؛ برای نمونه، گردشگری مجازی ممکن است با قواعد فقه عمومی یا معاملاتی (مانند قراردادهای دیجیتال) همپوشانی داشته باشد، اما نیازمند تحلیل‌های نوین برای تطبیق با مقاصد شریعت است. این چالش‌ها، که اغلب از عدم تطبیق با نیازهای معاصر ناشی می‌شوند، می‌توانند از طریق الگوی عملیاتی مسئله‌شناسی حل شوند.

۵-۱. رویکردهای موضوع‌شناسی

بعد از ترسیم ساختار موضوعی فقه گردشگری، رویکردهای موضوع‌شناسی نقش کلیدی در تحلیل دقیق پدیده‌های نوپدید ایفا می‌کنند. در موضوع‌شناسی مسائل مستحدثه در فقه معاصر، سه رویکرد اصلی قابل تشخیص است:

۱) رویکرد عرف‌خاص‌سپاری: در این رویکرد، فقیه مستقیماً وارد موضوع‌شناسی تفصیلی نمی‌شود، بلکه اقسام و فروض مختلف را ترسیم کرده و تعیین مصداق را به عرف خاص یا متخصصان واگذار می‌کند. این روش ممکن است به کاهش دقت در تطبیق احکام منجر شود.

۲) رویکرد فقیه‌سپاری: این دیدگاه بر عهده گرفتن کامل موضوع‌شناسی توسط فقیه تأکید دارد. براساس این نظر، اگر موضوع به‌درستی شناخته نشود، خطا در حکم محتمل خواهد بود و واگذاری آن به عرف می‌تواند به ساده‌سازی یا تساهل در تطبیق احکام بینجامد.

۳) رویکرد تعاملی: این رویکرد حد میانه‌ای میان دو دیدگاه پیشین است. نه سپردن کامل موضوع به عرف را می‌پذیرد و نه ورود مستقل و تخصصی فقیه به تمامی ابعاد موضوع را عملی می‌داند؛ زیرا بسیاری از مسائل نوپدید واجد ابعاد تخصصی‌اند. در این چارچوب، تبیین دقیق موضوع با بهره‌گیری از مشاوران خبره و متخصصان و سپس صدور حکم توسط فقیه است (مبینی مقدس، ۱۴۰۴).

در همین راستا، برخی اندیشمندان با تأکید بر اینکه فقیه در حوزه‌هایی که فاقد تخصص است، نمی‌تواند مستقلاً نظر دهد، ایده «درس سه ضلعی» را مطرح کردند؛ بدین معنا که در کنار فقیه، یک کارشناس متخصص حضور داشته باشد تا موضوع را به‌صورت دقیق تبیین کند؛ برای نمونه، فقیه حکم معاملات بورس را بیان کند و تعریف

و تبیین ماهیت بورس بر عهده کارشناس مربوطه باشد (علیدوست، ۱۴۰۱). این نوع موضوع‌شناسی علاوه بر منابع دینی، بر دو عنصر «زمان و مکان» و اطلاعات «عینی و تجربی» تکیه دارد. در موضوع‌شناسی علمی، فقیه باید از گزارش‌ها و تحلیل‌های کارشناسان متخصص بهره‌بردار (محمودی، ۱۳۹۹، ص. ۷۳) و به جای برداشت ذهنی یا استظهار فردی، از ابزارهای علمی استفاده کند و اطلاعات تخصصی را در فرآیندی منظم به زبان فقهی ترجمه کند؛ برای مثال، در موارد لازم موضوع می‌تواند به اجزاء و متغیرهای اصلی‌اش تجزیه می‌شود تا حکم شرعی دقیق‌تر بر آن منطبق گردد.

رویکرد تعاملی برای تحلیل مسائل صنعت گردشگری مناسب‌تر است؛ چراکه ضمن کاهش خطا در صدور فتوا، می‌تواند موجب افزایش کارآمدی فقه و سازگاری بیشتر احکام صادره با واقعیت‌های پیچیده اجتماعی، فرهنگی و علمی معاصر عرصه گردشگری می‌شود. با این حال، از آنجا که موضوعات نوپدید مدام در حال تغییرند، موضوع‌شناسی علمی باید قابلیت به‌روزشدن داشته باشد و متصلب نباشد.

۵-۲. الگوی عملیاتی مسئله‌شناسی فقه گردشگری

باتوجه به رویکردهای نظری پیش‌گفته، اکنون از سطح تبیین رویکردها به سطح طراحی یک چارچوب کاربردی گذر می‌کنیم. الگوی پیشنهادی حاضر را می‌توان صورت تکامل‌یافته و نظام‌مند رویکرد تعاملی دانست که می‌کوشد تعامل میان فقیه و دانش‌های تخصصی را در قالب فرایندی مرحله‌بندی‌شده سامان دهد. مسائل نوپدید معمولاً ماهیتی چندتباری و درهم‌تنیده دارند؛ به این معنا که خاستگاه آن‌ها در حوزه‌های گوناگون دانشی است و از جنبه‌های مختلف قابل تحلیل‌اند. گردشگری در جهان معاصر نمونه‌ای روشن از چنین پدیده‌ای است؛ با این حال، در ادبیات روش‌شناسی اجتهاد کمتر به طراحی الگوهای مدون برای چنین بررسی‌هایی پرداخته شده است. آسیب‌هایی چون بی‌توجهی به کار گروهی میان‌رشته‌ای، سعه صدر محدود در بهره‌گیری از داده‌های تخصصی سایر علوم و نبود قواعد منطقی و الگوهای پژوهشی برای مطالعات میان‌رشته‌ای (قراملکی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۳) مانع از ترجمه داده‌های علمی به زبان فقهی شده است. در تحلیل موضوع، سه حیث قابل تفکیک است: نخست، «حیث موضوعی» که ناظر به تعیین حدود و ثغور موضوع است؛ یعنی تنها افعال



اختیاری انسان و حکومت، موضوع فقه قرار می‌گیرند. دوم، «حیث تخصصی» که به گردآوری و تحلیل داده‌های علمی مربوط برای شناخت دقیق موضوع می‌شود؛ سوم، «حیث فقهی» که طی آن داده‌های تخصصی به زبان و ادبیات رایج فقهی ترجمه و تناظر داده می‌شوند تا امکان استنباط صحیح فراهم شود. موضوع‌شناسی در حوزه‌های علمیه به دلیل توجه ناکافی به حیث تخصصی و حیث فقهی موضوع، یعنی ترجمه نکردن اطلاعات به زبان فقه و شتاب در رفتن به سراغ استنباط، ضعف دارد (مبلغی، ۱۳۹۷).

براساس این مبانی، الگوی پیشنهادی در پنج مرحله تنظیم می‌شود. در این فرآیند، مقاصد شریعت صرفاً در مرحله پایانی، بلکه به‌عنوان معیار حاکم بر کل مسیر تحلیل در نظر گرفته می‌شوند؛ هرچند در مرحله جمع‌بندی به‌صورت برجسته‌تر ظاهر می‌گردند. مرحله اول: تعریف و تعیین حدود موضوع: در این مرحله، مفاهیم کلیدی و اصطلاحی روشن و حیث موضوعی تعیین می‌گردد. در ادامه، اگر موضوع کلی است، به مسائل خرد و دقیق تقسیم می‌شود. مرزهای موضوع و نوع مسئله (حقیقی، اعتباری، فردی یا اجتماعی) مشخص می‌گردد. مرحله دوم: بررسی تخصصی و شناسایی متغیرهای مؤثر: در این مرحله از علوم تخصصی (اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و...) برای شناخت ابعاد موضوع استفاده می‌شود و داده‌های علمی معتبر از متخصصان گردآوری می‌گردد. در ادامه، عوامل و متغیرهای مؤثر مرتبط شناسایی و روابط متقابل میان این آنها و شرایط زمان و مکان تحلیل می‌شود. مرحله سوم: تحلیل تباری و پیشینه‌شناسی: مسئله جدید معمولاً ریشه در مباحث پیشین دارد. این مرحله به جست‌وجوی مشابهت‌ها و اشتراکات در قرآن، روایات و فتاوی گذشته می‌پردازد و عناصر اصیل (ثابت) را از عناصر موقعیتی (وابسته به شرایط) تفکیک می‌کند. در ادامه اشتراک‌ها و تمایزات با مسائل پیشین بررسی می‌شود. مسائل مشترک در واقع وسیله‌ای برای پیدا کردن ابزار و ادله اثبات مسائل فقهی هستند. مرحله چهارم: تفکیک سطوح و ساحات مسئله: مسائل باید در سطوح مختلف (فردی، اجتماعی و حکومتی) مرتب و نوع حکم (تکلیفی و وضعی) مشخص شود. این نظم مانع از خلط مباحث و احکام می‌گردد. در ادامه، ادبیات تخصصی با نصوص فقهی تطبیق و نزدیک‌سازی زبان علمی به زبان فقه (حیث فقهی) انجام می‌شود. در صورت نیاز دسته‌بندی‌های تازه فراتر از ابواب مرسوم ارائه می‌گردد. مرحله پنجم: تشخیص نسبت‌ها، تعارض‌ها و جمع‌بندی اجتهادی: در

پایان، مصالح و مفاسد بر اساس مقاصد شریعت سنجیده می‌شوند. تراحم‌ها و تعارض‌های احتمالی شناسایی و راهبرد کلی برای حل مسئله اتخاذ می‌گردد، تا زمینه برای صدور فتوا یا نظریه فقهی آماده شود.

این پنج مرحله که در جدول شماره ۳ نمایش داده شده، نقشه‌ای جامع برای فقیه ترسیم می‌کنند تا پیش از استنباط حکم، به شناخت عمیق مسئله دست یابد؛ چراکه «علم از مسئله فریه می‌شود و حل مسئله مسبوق به تشخیص دقیق آن است» (قراملکی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۶). رویکرد تعاملی این الگو می‌تواند چالش‌هایی مانند هماهنگی میان‌رشته‌ای به همراه داشته باشد و هماهنگی میان متخصصان فناوری و فقیهان را زمان‌بر کند، اما این الگو فقیه را قادر می‌سازد تا در میدان عمل پاسخ‌گوی معضلات گردشگری در عصر حاضر باشد.

جدول شماره ۳: الگوی عملیاتی مسئله‌شناسی فقه گردشگری

مرحله	عنوان	اقدامات کلیدی
۱	تعریف و تعیین حدود موضوع	- روشن‌سازی مفاهیم کلیدی و اصطلاحات - تعیین حیث موضوعی - تشقیق و تفکیک موضوع به مسائل خرد - تعیین نوع مسئله (حقیقی/اعتباری، فردی/اجتماعی)
۲	بررسی تخصصی و شناسایی متغیرهای مؤثر	- استفاده از علوم تخصصی (اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و...) - گردآوری داده‌های علمی معتبر از متخصصان - تحلیل روابط متقابل میان متغیرها و شرایط زمان و مکان
۳	تحلیل تباری و پیشینه‌شناسی	- جست‌وجوی ریشه‌های موضوع در قرآن، سنت، فتاوی گذشته و تجربه‌های تاریخی - تفکیک عناصر اصیل (ثابت) از عناصر موقعیتی (وابسته به شرایط) - بررسی مشابَهت‌ها و تمایزات با مسائل پیشین
۴	تفکیک سطوح و ساحات مسئله	- مرتب‌سازی موضوع در سطوح فردی، اجتماعی و حکومتی - تشخیص نوع حکم (اولی/ثانوی، تکلیفی/وضعی) - تطبیق ادبیات تخصصی با ادبیات نصوص فقهی (حیث فقهی) - ارائه دسته‌بندی‌های تازه در صورت ناکافی بودن ابواب سنتی



۵	تشخیص نسبت‌ها، تعارض‌ها و جمع‌بندی اجتهادی	- سنجش مصالح و مفاسد بر اساس مقاصد شریعت - شناسایی تزاخم‌ها و تعارضات احتمالی - اتخاذ راهبرد فقهی کلان برای حل مسئله - آماده‌سازی زمینه برای صدور فتوا یا نظریه فقهی
---	--	--

منبع جدول: یافته‌های تحقیق

برای نمونه، در تحلیل فقهی پوشش گردشگران زن غیرمسلمان، نخستین گام باز تعریف موضوع بر مبنای واقعیات میدانی و مناسبات حقوقی جهان معاصر است. با ورود گردشگر در قالب قرارداد حقوقی و حاکمیتی (روادید)، مسئله از یک تکلیف شرعی به جایگاه تعیین مرزهای الزام قانونی در فضاهای عمومی منتقل می‌گردد. واکاوی پیشینه فقهی نظیر بررسی قراردادهای پیامبر اکرم (ص) با اهل ذمه (حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص. ۴۴۲) تا روایات مبتنی بر جواز نگاه به موی زنان غیرمسلمان (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص. ۱۴۹)، نشان می‌دهد که الزام غیرمسلمانان به رعایت پوشش اسلامی در سیره، سنتی فاقد سابقه است. بنابراین، حاکم اسلامی با استفاده از اختیارات حکومتی و با در نظر گرفتن مقاصد شریعت و قواعدی چون «لاضرر»، می‌تواند استانداردهای حداقلی پوشش را برای گردشگران وضع کند. در مورد محدودیت ورود غیرمسلمانان به مساجد نیز همین مسئله مطرح است. هرچند مشهور فقهای شیعه با تعمیم حکم آیه ۲۸ سوره توبه، این امر را ممنوع دانسته‌اند، اما واکاوی دقیق اجتهادی نشان می‌دهد که الغای خصوصیت از مسجدالحرام و تسری حکم آن به سایر مساجد، اطلاق واژه مشرک بر تمامی اهل کتاب و انحصار معنای واژه «نجس» به نجاست اصطلاحی فقهی مورد مناقشه محققان قرار گرفته است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص. ۴۴). تسری این ممنوعیت به سایر اماکن مقدسه و تلاش برای تنقیح مناط و الحاق این اماکن به مسجدالحرام از منظر فقهی موجه به نظر نمی‌رسد (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص. ۴۹). در نتیجه، حاکمیت می‌تواند با گذر از رویکرد منع مطلق، مسئله را در سطح مدیریت فضاهای مذهبی باز تعریف نماید. در این الگوی تعاملی، ورود گردشگران غیرمسلمان به مساجد و اماکن متبرکه تحت ضوابطی که شأن، قداست و کارکرد عبادی این اماکن را حفظ نماید، جایز و ابزاری در خدمت دیپلماسی فرهنگی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

فقه گردشگری شاخه‌ای نوظهور و چندلایه در منظومه فقه اسلامی است که در تعامل میان سنت، تجدد و درون و برون امت اسلامی شکل می‌گیرد. این فقه در نقطه تلاقی چند حوزه فقهی مانند فقه هنر، فقه امنیت، فقه شهر، فقه اقتصادی و فقه دولت اسلامی است. چنین گستره‌ای، ضرورت بازاندیشی در ساختار سنتی ابواب فقه را نیز برجسته می‌سازد؛ از سوی دیگر، فقه گردشگری باید بر پایه شناخت عمیق از تحولات جهانی، اقتضائات فرهنگی، پیچیدگی‌های سیاسی، انتظارات اخلاقی و شرعی جامعه اسلامی توسعه یابد. از همین رو، می‌بایست به‌مثابه یک حوزه مستقل اجتهادی، به عرصه‌ای برای به‌کارگیری ذخایر اجتهادی فقه اسلامی در تنظیم مناسبات انسانی نوین تبدیل شود.

این مقاله با رویکرد تحلیلی-استنباطی، به بررسی چارچوب‌های فقهی برای تحلیل مسائل صنعت گردشگری پرداخت و نشان داد که تلفیق رویکردهای فقه سنتی، حکومتی و تمدنی می‌تواند پاسخی جامع به پرسش اصلی تحقیق، یعنی فراهم‌سازی چارچوبی منسجم برای سیاست‌گذاری شرعی در گردشگری ارائه دهد. همچنین ساختار مباحث فقه گردشگری را می‌توان در چهار محور مبانی نظری، فقه عمومی، فقه گردشگر و فقه صنعت گردشگری طبقه‌بندی کرد. پیشنهاد دیگر تحقیق، رویکرد تعاملی در موضوع‌شناسی همراه با الگوی عملیاتی پنج‌مرحله‌ای شامل مراحل تعریف و تعیین حدود موضوع، بررسی تخصصی و شناسایی متغیرهای مؤثر، تحلیل تباری و پیشینه‌شناسی، تفکیک سطوح و ساحات مسئله و تشخیص نسبت‌ها، تعارض‌ها و جمع‌بندی اجتهادی مسئله‌شناسی، شامل مراحل تعریف و تعیین حدود موضوع، بررسی تخصصی و شناسایی متغیرهای مؤثر، تحلیل تباری و پیشینه‌شناسی، تفکیک سطوح و ساحات مسئله و تشخیص نسبت‌ها، تعارض‌ها و جمع‌بندی اجتهادی است. در حالی که رویکرد سنتی با نگاهی تقلیل‌گرایانه، چالش‌هایی را در مسیر توسعه گردشگری ایجاد کرده است، تحلیل فقهی برخی مصادیق در این مقاله نشان داد که تلفیق این رویکردها در یک الگوی عملیاتی می‌تواند بستری منعطف و کارآمد برای مدیریت این صنعت فراهم آورد.

این نوآوری‌ها، چالش‌های مسائل مستحدثه مانند گردشگری مجازی را با بهره‌گیری از علوم میان‌رشته‌ای حل می‌کنند و کارآمدی فقه را در برابر واقعیت‌های معاصر افزایش می‌دهند. علاوه بر این، تأکید بر مقاصد شریعت و تعاملات میان‌مذهبی، فقه گردشگری را به ابزاری برای تمدن‌سازی نرم‌افزاری و دیپلماسی فرهنگی تبدیل می‌کند، که علاوه بر همخوانی با ادبیات موجود، بر اهمیت آن در شکل‌دهی به هویت امت اسلامی و تعامل جهانی صحنه می‌گذارد. با وجود این دستاوردها، ماهیت عمدتاً نظری تحلیل‌ها نیاز به مطالعات میدانی و آزمون عملی در سیاست‌گذاری‌های حکومتی را برجسته می‌کند. این محدودیت‌ها، ناشی از دامنه تحقیق، فرصت‌هایی برای گسترش فراهم می‌آورند. بنابراین، برای تحقیقات آتی، پیشنهاد می‌شود: (۱) مطالعات تطبیقی فقه مقارن در زمینه استانداردهای گردشگری حلال انجام گیرد، تا هم‌گرایی میان جوامع اسلامی تقویت شود. (۲) الگوی عملیاتی مسئله‌شناسی در موارد واقعی مانند گردشگری سلامت یا گردشگری مبتنی بر هوش مصنوعی اعمال و ارزیابی شود، تا کارایی آن در عمل سنجیده گردد. (۳) نقش فناوری‌های نوین در تحولات فرهنگی و اقتصادی گردشگری بررسی شود، تا فقه گردشگری پویاتر گردد.

کتابنامه:

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- (۳) ادبی، حسین، نوربخش، قاسم (۱۳۹۸). قاعده فقهی «تألیف قلوب» به مثابه راهبرد توسعه گردشگری حلال. پژوهشنامه حلال، ۲(۲)، ۷۷-۸۷.
- (۴) اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵). تأثیرات فقه بر نظام تربیتی. حکمرانی فرهنگ، ۹(۳۶)، ۱۳۱-۱۱۳.
- (۵) امیری، حسین (۱۴۰۰). حمایت از جهانگردان خارجی از منظر فقه و حقوق. تهران: انتشارات حقوقی.
- (۶) امینی، بهنام (۱۳۹۶). الگوی مستخرج گردشگری مبتنی بر منابع فقهی شیعه. پژوهش‌نامه فرهنگ و رسانه (نامه فرهنگ و ارتباطات)، ۲(۱)، ۱۴۹-۱۹۲.
- (۷) ایزدهی، سیدسجاد (۱۴۰۱). بازخوانی فقه حکومتی در تراث فقه شیعه. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه نظام‌ساز، ۱(۳)، ۳۵-۵۶.

- ۸) پاپلی یزدی، محمدحسین، سقایی، مهدی (۱۳۸۹). گردشگری (ماهیت و مفاهیم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۹) ترابی، احمد (۱۳۹۱). طراحی مدل مفهومی توسعه نشان تجاری حلال؛ مطالعه موردی: صنعت گردشگری حلال در ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام).
- ۱۰) جوادی، فضه، برقی، مریم (۱۴۰۰). درآمدزایی در قالب گردشگری از منظر فقه. مطالعات دین پژوهی، ۵(۱۰)، ۷۳-۵۷.
- ۱۱) حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- ۱۲) حسن‌پور، محسن، موسوی‌بجنوردی، سیدمحمد، ابن‌تراب، مریم (۱۳۹۷). کاربری قاعده فقهی و حقوقی لاضرر و لاضرار در راستای امنیت ملی، حقوق شهروندی و توسعه گردشگری. فصلنامه جغرافیا، ۸(۳۳)، ۱۶۱-۱۸۳.
- ۱۳) طباطبایی‌حکیم، محمدسعید (۱۴۱۶ق). منهاج الصالحین. عراق: مکتب آیه الله العظمی السیدالحکیم.
- ۱۴) حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیه. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیّه.
- ۱۵) خراسانی، رضا (۱۳۹۹). تفاوت روش‌شناختی فقه سیاسی سنتی و فقه حکومتی. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۱۳(۵۱)، ۱۴۳-۱۷۳.
- ۱۶) خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). التنقیح فی شرح العروة الوثقی. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- ۱۷) درایتی، حمید (۱۴۰۱). جایگاه «مسأله‌شناسی» در حل مسأله فقهی‌شناسی. بازیابی شده از <https://m-feqhi.ir/index.php/۷۲۷/۲۰۱۵-۰۸-۰۳-۱۲-۵۰-۵۳>
- ۱۸) ریاحی، محمد (۱۳۹۸). عوامل مؤثر گردشگری و سیاحت در تاریخ، تمدن و فقه اسلامی. فصلنامه نورالمصطفی، ۵(۸)، ۱۲۶-۱۳۸.
- ۱۹) زندی‌فر، عبدالله، روحانی‌مقدم، محمد، آقایی‌بجستانی، مریم (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی حضور گردشگران غیرمسلمان در ایران. فصلنامه علمی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۱)، ۵۷-۸۱.
- ۲۰) سعیدی، محسن (۱۳۹۵). بررسی منطق موضوع‌شناسی فقه سنتی در موضوعات مستحدثه. پژوهش‌نامه فقه اجتماعی، ۴(۸)، ۱۲۷-۱۴۶.

- ۳۸) مبلغی، احمد (۱۳۹۷). حوزه نفوذ «فقه» در گردشگری. خبرگزاری حوزه. بازخوانی از <https://www.hawzahnews.com/news/469312/حوزه-نفوذ-فقه-در-گردشگری>.
- ۳۹) مبینی مقدس، مجید (۱۴۰۴). سه رویکرد در موضوع شناسی. بازیابی شده از <https://riicj.com/news/3596>.
- ۴۰) محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۳). الهیات محیط زیست. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ۴۱) محمودی، اکبر (۱۳۹۹). روش شناسی اجتهاد در مسائل نوپدید. جستارهای فقهی و اصولی، ۶(۲)، ۶۱-۱۰۵.
- ۴۲) موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام خمینی. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴۳) مهریزی، مهدی (۱۳۷۶). فقه حکومتی. نقد و نظر، ۳(۱۲)، ۱۴۱-۱۶۵.
- ۴۴) موسوی، سید جواد (۱۳۹۲). فقه گردشگری و آثار باستانی. (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مازندران).
- ۴۵) میرکمالی، سید علیرضا، حسینی، محمد مهدی، رجبی فرد، سحر (۱۳۹۴). چالش های فقهی - حقوقی حضور گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی. مجله حقوقی دادگستری، ۷۹(۹۲)، ۷۹-۹۷.
- ۴۶) نوربخش، یونس، کلانتری، عبدالحسین، فرهادی، احسان (۱۳۹۸). گردشگری بازتابی از زیست جهان شهری در دنیای مدرن. نشریه گردشگری شهری، ۶(۴)، ۹۵-۱۱۰.

References:

- 1) *The Holy Qur'an* [In Arabic].
- 2) Abedi, H., & Nourbakhsh, Q. (2019). The jurisprudential rule of reconciliation of hearts as a strategy for halal tourism development. *Halal Research*, 2(2), 77-87 [In Persian].
- 3) A'rafi, A. (2016). The effects of jurisprudence on the educational system. *Cultural Governance*, 9(36), 113-131 [In Persian].
- 4) Alidoust, A. (2019). An introduction to the methodology of tourism jurisprudence. *Vasael Journal*, (1) [In Persian].
- 5) Alidoust, A. (2022). *In conversation with Shafaqna*. Retrieved from <https://fa.shafaqna.com/news/1378129/> [In Persian].
- 6) Amidzanjani, A. A. (1998). *Political jurisprudence*. Tehran: Amirkabir [In Persian].
- 7) Amini, B. (2017). A tourism model derived from Shiite jurisprudential sources. *Journal of Culture and Media Studies (Culture and Communication Journal)*, 2(1), 149-192 [In Persian].



- 8) Amiri, H. (2021). *Protection of foreign tourists from the perspective of jurisprudence and law*. Tehran: Legal Publications [In Persian].
- 9) Battour, M., & Ismail, M. (2016). Halal tourism: Concepts, practices, challenges and future. *Tourism Management Perspectives*, 19, 150–154. <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2015.12.008>
- 10) Bijami, M., & Albattat, A. (2019). Challenges in Iran tourism industry. *Journal of Travel, Tourism and Recreation*, 1(1), 1–6. <https://doi.org/10.22259/2642-908X.0101001>
- 11) Dariati, H. (2022). *The position of problem identification in solving jurisprudential problems*. Retrieved from <https://m-feqhi.ir/index.php/2015-08-03-12-50-53/727> [In Persian].
- 12) El-Gohary, H. (2016). Halal tourism, is it really halal? *Tourism Management Perspectives*, 19, 124–130. <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2015.12.013>
- 13) Gao, B. W., Zhu, C., Song, H., & Dempsey, I. M. B. (2022). Interpreting the perceptions of authenticity in virtual reality tourism through postmodernist approach. *Information Technology & Tourism*, 24(1), 31–55. <https://doi.org/10.1007/s40558-022-00221-0>
- 14) Halal Focus. (2025, April 28). Malaysia-Indonesia halal industry collaboration roundtable enhances regional synergies. *Halal Focus*. <https://halalfocus.com/malaysia-indonesia-halal-industry-collaboration-roundtable-enhances-regional-synergies/>
- 15) Harr Amili, M. ibn H. (1995). *Wasael al Shia ila Tahsil Masael al Shariah*. Qom: Al al Bayt Institute for the Revival of Heritage [In Arabic].
- 16) Hassanpour, M., Mousavi Bojnourdi, S. M., & Ibn Torab, M. (2018). Application of the jurisprudential and legal rule of no harm and no injury in the interests of national security, citizens' rights, and tourism development. *Geography Quarterly*, 8(33), 161–183 [In Persian].
- 17) Helli, N. al Din J. ibn H. (1997). *Al Mukhtasar al Nafi fi Fiqh al Imamiya*. Qom: Religious Publications Institute [In Arabic].
- 18) Higgins-Desbiolles, F. (2018). Sustainable tourism: Sustaining tourism or something more? *Tourism Management Perspectives*, 25, 157–160.
- 19) Ibn Manzur, M. ibn M. (1993). *Lisan al Arab*. Beirut: Dar Sader [In Arabic].
- 20) Iraqi, D. al Din. (1997). *Nihayat al Afkar*. Qom: Islamic Publishing Institute [In Arabic].
- 21) Izdehi, S. S. (2022). Reconsidering governmental jurisprudence in the heritage of Shiite jurisprudence. *Scientific-Research Quarterly of System-Building Jurisprudence*, 1(3), 35–56 [In Persian].
- 22) Jafari, J., & Scott, N. (Eds.). (2014). *Tourism in the Muslim world*. Abingdon: Routledge.
- 23) Jamal, A., Griffin, K., & Raj, R. (Eds.). (2018). *Islamic tourism: Management of travel destinations*. Wallingford, UK: CABI International.

- 24) Javadi, F., & Borqei, M. (2021). Revenue generation through tourism from the perspective of jurisprudence. *Religious Studies*, 5(10), 57–73 [In Persian].
- 25) Kakoujuybari, R. A. (2022). *A jurisprudential study of the rulings on tourism*. Qom: Maktab al Muhaddithin Publications [In Persian].
- 26) Kalantari, A. A. (1997). Jurisprudence and the tourism industry. *Fiqh*, 4(14), 15–54 [In Persian].
- 27) Khorasani, R. (2020). Methodological differences between traditional political jurisprudence and governmental jurisprudence. *Cultural Strategy*, 13(51), 143–173 [In Persian].
- 28) Khoei, S. A. (1997). *Al Tanqih fi Sharh al Urwah al Wuthqa*. Qom: Institute for the Revival of the Works of Imam al Khoei [In Arabic].
- 29) Mabini Moghaddas, M. (2025). *Three approaches to subject identification*. Retrieved from <https://riicj.com/news/3596/> [In Persian].
- 30) Mablaghi, A. (2018a). *For centuries, the structure of jurisprudence has suffered from stagnation and immobility*. Ijtihad Network. [In Persian].
- 31) Mablaghi, A. (2018b). *The scope of jurisprudence in tourism*. Hawzah News Agency. <https://www.hawzahnews.com/news/469312/> [In Persian].
- 32) Mahmoudi, A. (2020). The methodology of ijthad in emerging issues. *Jurisprudential and Usul Studies*, 6(2), 61–105 [In Persian].
- 33) Mehrizi, M. (1997). Governmental jurisprudence. *Naqd va Nazar*, 3(12), 141–165 [In Persian].
- 34) Mir Kamali, S. A., Hassani, M. M., & Rajabi Fard, S. (2015). Jurisprudential and legal challenges of the presence of non-Muslim tourists in Islamic countries. *Justice Law Journal*, 79(92), 79–97 [In Persian].
- 35) Mohaghegh Damad, M. (2014). *Environmental theology*. Tehran: Institute for Research in Philosophy and Wisdom of Iran [In Persian].
- 36) Mousavi, S. J. (2013). *Tourism jurisprudence and archaeological heritage* (Master's thesis, Payame Noor University of Mazandaran) [In Persian].
- 37) Mousavi Khomeini, S. R. (2010). *Sahifeh of Imam Khomeini*. Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [In Persian].
- 38) Nalçacı İkiz, A. (2019). Postmodern tourism and post-tourist behaviors. In *Current issues in tourism and hospitality management* (pp. 57–68). SRA Academic Publishing.
- 39) Nourbakhsh, Y., Kalantari, A. H., & Farhadi, E. (2019). Tourism as a reflection of the urban lifeworld in the modern world. *Urban Tourism Journal*, 6(4), 95–110 [In Persian].
- 40) Papoli Yazdi, M. H., & Saqaei, M. (2010). *Tourism: Nature and concepts*. Tehran: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT) [In Persian].
- 41) Qarameki, A. F. (2004). Methodological obstacles to the development of the humanities. *Qabasat*, 9(34), 103–118 [In Persian].



- 42) Riahi, M. (2019). Factors influencing tourism and travel in Islamic history, civilization, and jurisprudence. *Noor al Mustafa*, 5(8), 126–138 [In Persian].
- 43) Saeedi, M. (2016). Examining the logic of subject identification in traditional jurisprudence concerning emerging issues. *Journal of Social Jurisprudence*, 4(8), 127–146 [In Persian].
- 44) Sadr, S. M. B. (1982). *Falsafatuna*. Beirut: Dar al Taaruf lil Matbuat [In Arabic].
- 45) Sadr, S. M. B. (1996). *Iqtisaduna*. Qom: Islamic Information Office [In Arabic].
- 46) Shafiei, A. (2019). *Traditional jurisprudence does not have a proper understanding of tourism*. Ijtihad Network [In Persian].
- 47) Sharaf, S. A. A. (2010). *Rulings on tourism in Islamic jurisprudence: A comparative jurisprudential study with Yemeni law* (Doctoral dissertation, Omdurman Islamic University) [In Arabic].
- 48) Sharifi, M., & Mahrouzadeh, T. (2020). Conceptual analysis of the term tourists in the Quran. *Arabic Language Studies*, 1(1), 9–26 [In Persian].
- 49) Siddiqi Mehr, N., & Abbaslou, B. (2020). Analysis of Quranic, jurisprudential, and legal evidence for the legitimacy of timeshare ownership in health villages. *Quran and Medicine*, 5(4), 71–82 [In Persian].
- 50) Stephenson, M. L. (2016). *Tourism, hospitality and the halal economy: Perspectives and prospects*. Abingdon: Routledge.
- 51) Tabatabaei, M. H. (1997). *Al Mizan fi Tafsir al Quran*. Qom: Islamic Publications Office [In Arabic].
- 52) Tabatabaei Hakim, M. S. (1995). *Minhaj al Salihin*. Iraq: Office of Grand Ayatollah Sayyid al Hakim [In Arabic].
- 53) Talebi Tadi, H., & Ali Hosseini, A. (2023). An analysis of jurisprudence in constructing various systems with an emphasis on political jurisprudence. *Scientific-Research Quarterly of System-Building Jurisprudence*, 2(3), 43–74 [In Persian].
- 54) Torabi, A. (2012). *Designing a conceptual model for halal brand development: A case study of the halal tourism industry in Iran* (Master's thesis, Imam Sadiq University) [In Persian].
- 55) Tourism. (2025, December 5). In *Encyclopaedia Britannica*. Retrieved December 5, 2025, from <https://www.britannica.com/topic/tourism>
- 56) UNWTO [World Tourism Organization]. (2019). *Understanding tourism: Basic glossary*. Madrid: World Tourism Organization. Retrieved from https://webunwto.s3-eu-west-1.amazonaws.com/2019-08/glossary_EN.pdf
- 57) World Travel & Tourism Council. (2024). *Economic impact research: Global economic impact and trends 2024*. London: WTTC.
- 58) Zafari, S. E. J. (2021). *Tourism service contracts: A comparative jurisprudential study* (Master's thesis, Al al Bayt University) [In Arabic].



- 59) Zandi Far, A., Rouhani Moghadam, M., & Aghaei Bejestani, M. (2019). Analysis and examination of jurisprudential and legal challenges concerning the presence of non-Muslim tourists in Iran. *Scientific Quarterly of New Perspectives in Human Geography*, 12(1), 57–81 [In Persian].